

# کری خوانی اینستاگرامی باعث قتل شد

صحبت های پسر جوان که در جنایت مستانه دوستش را کشت



علتش را نمی دانستم اما عصبانی شدم و بعد از کری خوانی از من خواست که با هم در پارک قرار بگذاریم.

❖ **قرار گذاشتی؟**

من به همراه دوستم از آهنگری بیرون آمده و به سمت پارک رفتیم. در نزدیکی پارک از مغازه فروش لوازم خانگی دایی ام چاقویی را برداشتم. دوستم چند بار به من زنگ زد و در این مدت به همسرم، مادرم و خانواده ام فحاشی کرد. وقتی به اورسیدم با قمه بزرگی به سمت من ضرباتی را پرت کرد. من هم برای دفاع از خودم با چاقویی که از مغازه دایی ام برداشته بودم چند ضربه به سمتش پرتاب کردم.

❖ **کسی به کمک آمد؟**

دوستانم دقایقی بعد رسیدند و او را زیر مشت و لگد گرفتند من هم بعد از این که مأموری به داخل پارک آمد از ترس فرار کردم و به خانه رفتم. هنوز یک ساعت نگذشته بود که یکی از دوستانم تماس گرفت و مدعی شد پسر جوان را با ضربات چاقو کشته ام. سریع به خانه دوستم رفتم که ساعتی بعد وقتی قصد داشتم فرار کنم مأموران در خروجی چهارباغ مرا شناسایی و دستگیر کردند.

❖ **چرا مرتکب قتل شدی؟**

باور می کنید من نمی خواستم قتل انجام دهم. فقط در دفاع از خودم بود. وقتی او به سمت ضربات قمه را پرت کرد، برای ترساندن او چند بار چاقو را به بازویش نزدیک کردم. فکر نمی کردم ضرباتم به او اصابه کند و جانش را از دست بدهد. پیام دوستم بود نمی خواستم رفیق کشی کنم.

❖ **خب پس چرا کشتیش؟**

من تحت تاثیر مشروبات الکلی بودم و در زمان حادثه حالت طبیعی نداشتم. فکر نمی کردم ضرباتی که پرت کرده ام به گردن او خورده و باعث شود جانش را از دست بدهد.

❖ **از دواج کردی؟**

بله دو سال است که ازدواج کردم. روز حادثه هنگامی که مشغول خوردن مشروب بودم همسرم با من تماس گرفت و گفت حس خوبی ندارم بهتر است هر جایی که هستم، آنجا راترک کنم اما من به حرفش گوش ندادم و این اتفاق رخ داد.

❖ **پشیمانی؟**

خیلی. باور می کنید که من نمی خواستم او را بکشم و فقط یک لایو اینستاگرامی و کنترل نکردن خشم هنگام مستی باعث شد من جان دوستم را بگیرم. عذاب وجدان رها می نمی کند.

کبوتر بازی می کردم. چند کبوتر داشتم و تمام اوقات فراغتم را با کبوترها می گذراندم ساعت چهار صبح به تهران می رفتم و هفت شب به محل زندگی ام برمی گشتم. دیگر هیچ وقتی برای تفریح یا دوستان نداشتم.

❖ **جای زخم روی گردنت چیست؟**

در زمان سربازی، داخل پادگان درگیری پیش آمد، رفتم به عنوان ارشد چند سرباز را جدا کنم که یکی از آنها با در تن ماهی گردنم را برید، حتی چند روز در بیمارستان بستری شدم.

❖ **در مورد قتل بگو؟**

از پادگان مرخصی گرفتم و بابرگه پزشکی چند روزی استعلاجی داشتم. اگر آن اتفاق شوم نمی افتاد و دوستم با من تماس نمی گرفت، یک هفته بعدش سربازی ام به پایان می رسید.

❖ **خب ادامه بده.**

در حال رفتن به خانه بودم که دوستم با من تماس گرفت و گفت هر موقع به محله رسیدم خبر بدهم. وقتی به محل رسیدم او به دنبالم آمد و مشروب خوردیم. دقایقی بعد همراه یکی دیگر از دوستانم به مغازه آهنگری رفتیم که مرد آهنگر از ما خواست با او هم مشروب بخوریم. یکی از دوستان او در آنجا بود که من حس خوبی به او نداشتم، در این حین از آنها جدا شدم و در انتهای مغازه مشغول لایو گرفتن از خودم شدم.

❖ **خب چه شد؟**

همان دوستی که ابتدا با او مشغول مشروب خوردن شده بودم، در لایو به من شروع به فحاشی کرد.

اوایل شهریورماه در جریان یک نزاع خیابانی در منطقه چهارباغ استان البرز دوستش را به خاطر فحاشی در لایو اینستاگرام کشته است. بسیار خونسرد نشان می دهد و هیچ ترس و اضطرابی در چهره اش دیده نمی شود اما مدعی شده که از قتل پشیمان است. وقتی روبه روی مجری برنامه رادیویی قرار می گیرد با همان خونسردی به پرسش ها جواب می دهد و قتل را تشریح می کند.

مجید غمخوار  
تپش

❖ **خودت را معرفی کن؟**

مسعود ۲۱ ساله هستم.

❖ **چقدر درس خوانده ای؟**

تا کلاس ششم خواندم و بعد مجبور شدم به علت زمینگیر شدن پدرم، ترک تحصیل کنم و سرکار بروم. مادرم برای این که خرج ما را در بیاورد، سر کار می رفت و من هم مجبور شدم درس و کلاس را رها کنم و مشغول کار شوم.

❖ **چه کاری کردی؟**

چند شغل داشتم اما در میل سازی و کامپوزیت حرفه ای شده و بیشتر مشغول این دو شغل بودم.

❖ **از درآمدت راضی بودی؟**

خیر. کمک خرج خانواده بودم، تمام هزینه خانواده را من و مادرم می دادیم. حقوقم زیاد نبود.

❖ **دوست صمیمی داشتی؟**

خیر، از صبح تا عصر کار می کردم و وقتی به خانه می آمدم



باور کنید من قصد قتل نداشتم و در دفاع از خودم به سمت طرف دیگر دعوا چاقو پرت کردن که ضربه ای به پسر جوان برخورد کرد و جانش را گرفت



## نقش چاقو در جنایات ها

یکی از موارد وقوع قتل های این چنینی، عدم کنترل خشم و همراه داشتن سلاح سرد است. وقتی فردی در اوج خشم به سمت درگیری و نزاع می رود به هیچ وجه نباید سلاح سرد به همراه داشته باشد.

متأسفانه در بسیاری از پرونده ها، نزاع فقط به دلیل همراه داشتن سلاح سرد تبدیل به قتل شده اند. فرد در لحظه امکان کنترل رفتارش را ندارد و با خشم و هیجانات دست به اسلحه برده و آن را به بدن فرد مقابل وارد می کند. در این پرونده قاتل نمی خواسته دوستش را به قتل برساند اما به دلیل مصرف مشروبات الکلی حالت طبیعی نداشته و با همراه داشتن سلاح آن جنایت خونین را رقم می زند.

متأسفانه این روزها افراد به بهانه های مختلف و واهی اقدام به حمل سلاح سرد می کنند که در صورت بروز درگیری بدون توجه به عواقب آن از چاقو استفاده می کنند.

سرهنگ مهدی حاج حمیدی  
معاون مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی البرز

